یادداشت ویژه

انتخابات هیئت‌رئیسه مجلس دوازدهم

ریسک قالیباف و امیدواری ذوالنوری

حسین معین‌آبادی
دانشیار علوم سیاسی

با برگزاری انتخابات دور دوم مجلس شورای اسلامی رایزنی‌ها برای انتخاب رئیس و اعضای هیئت‌رئیسه مجلس دوازدهم در روزهای آینده تشدید خواهد شد. در واقع با مرور ائتلاف‌هایی که در جریان رقابت‌های انتخاباتی شکل گرفت و با توجه به نتایج انتخابات و برداشت‌های اولیه از گرایش سیاسی منتخبان می‌توان چنین استنباط کرد که هیچ‌کدام از طیف‌های سیاسی نتوانسته‌اند اکثریت کرسی‌های مجلس را به دست آورند، ازاین‌رو مدعیان ریاست بر مجلس دوازدهم چاره‌ای جز ائتلاف با برخی طیف‌ها یا فراکسیون‌های احتمالی نخواهند داشت و این در حالی است که با توجه به رویکرد متغیر برخی از منتخبان و تأثیرپذیری آنان از محافل مختلف حفظ رأی مثبت آنان کاری بس دشوار است. با توجه به رایزنی‌های هفته‌های اخیر و با فرض اینکه رقابت اصلی برای ریاست بر مجلس میان قالیباف، ذوالنوری و نیکزاد است، نگارنده در این یادداشت به بررسی موقعیت، ظرفیت و احتمال موفقیت هرکدام با درنظرگرفتن ائتلاف‌های احتمالی و ملاحظات بیرونی پرداخته است:

۱- محمدباقر قالیباف؛ ائتلاف با نزدیکان لاریجانی یا تمکین به واگذاری بخشی از اختیارات:

قالیباف در روزهای اخیر نگران از مواضع و تحرکات برخی از منتقدان و مخالفانش در جبهه اصولگرایی تمرکز خود را روی جذب مستقل‌ها گذاشته است و با توجه به نزدیکی اغلب چهره‌های تأثیرگذار مستقل به علی لاریجانی، چاره‌ای جز ائتلاف با لاریجانی ندارد. برآوردها نشان می‌دهد که شورای ائتلاف نیروهای انقلاب ۸۰ کرسی مجلس را در اختیار دارد و در صورت ائتلاف با مستقل‌ها که تعداد آنان حدود ۷۰ نفر است، می‌تواند هیئت‌رئیسه را در اختیار بگیرد. البته قالیباف گزینه ائتلاف با طیف‌های شریان، جبهه صبح ایران و جبهه پایداری و امنا را نیز می‌تواند پیگیری کند اما به خوبی از این واقعیت مطلع است که چنین ائتلافی بدون واگذاری بخشی از اختیاراتش در مقام ریاست بر مجلس امکان تحقق ندارد. البته قالیباف برای ائتلاف با مستقل‌ها نیز با محدودیت‌هایی مواجه است. به نظر می‌رسد طیفی مایل نیستند شاهد آن باشند که قالیباف ریاستش بر مجلس مدیون لاریجانی باشد، ازاین‌رو محتمل است که در صورت اصرار قالیباف برای ائتلاف با مستقل‌ها، نمایندگان عضو جبهه پایداری که در لیست شورای ائتلاف نیروهای انقلاب حضور داشته‌اند، از رأی‌دادن به ایشان خودداری ورزند. ضمنا قالیباف متوجه این واقعیت هم هست که مابازای ائتلاف با نزدیکان لاریجانی یعنی ورود نوری‌قزلجه به هیئت‌رئیسه و قرارگرفتن تاجگردون در کلیدی‌ترین کمیسیون مجلس یعنی کمیسیون برنامه و بودجه و این اتفاقی نیست که منتقدانش به سادگی از آن عبور کنند.

علاوه بر رقبای داخل مجلس در واقع قالیباف با رقبایی در بیرون مجلس هم مواجه است که بر سر راه ریاست وی بر مجلس کارشکنی می‌کنند. ملاحظه اغلب این رقبا به انتخابات ریاست‌جمهوری ۱۴۰۷ برمی‌گردد و منافع آنان در حذف یا تضعیف قالیباف است. این ملاحظه درباره مستقل‌ها و به‌ویژه لاریجانی هم وجود دارد اما نه برای سال ۱۴۰۷ بلکه ۱۴۰۴.

نزدیکان لاریجانی در روزهای باقی‌مانده تا انتخابات هیئت‌رئیسه احتمالا این سؤال به ذهنشان متبادر شود که تقویت قالیباف چه منافعی برای آنان دارد؟ و اصولا چه تضمینی وجود دارد که در نتیجه ائتلافی پرهزینه، نوری‌قزلجه و تاجگردون به مناصب مورد نظر برسند؟

۲-مجتبی ذوالنوری؛ ائتلافی سلبی و ریاستی محتمل:

در واقع بیش از آنکه اراده ذوالنوری و رایزنی‌های ایشان برای قرارگرفتن در رأی مجلس دوازدهم مؤثر واقع شود، این اراده افراد ذی‌نفوذ جبهه امنا، جریان شریان، جبهه صبح ایران و طیفی در جبهه پایداری است که عاملی تعیین‌کننده در داخل مجلس محسوب می‌شوند. این ائتلاف در جریان رقابت‌های انتخاباتی توانسته است اکثریت کرسی‌های شهرهای مشهد، تبریز، اصفهان، شیراز، قم، کرج و به‌ویژه تهران را در مجلس به خود اختصاص دهند و با استناد به این نتایج است که برخی چهره‌های این جریان مدعی آن هستند که این نتایج پیامش تغییر در هیئت‌رئیسه مجلس است؛ بنابراین با ریاست قالیباف بر مجلس دوازدهم مخالف هستند. ازاین‌رو یکی از گزینه‌های این جریان برای اداره مجلس دوازدهم ذوالنوری نماینده اول قم است. اگر ذوالنوری حمایت این جریان را حفظ کند، احتمالا قادر خواهد بود با استفاده از نفوذی که طیف شریان بر نمایندگان مستقل دارد، برخی از نمایندگان این طیف بالاخص زاگرس‌نشینان را جذب کند در این صورت احتمال اینکه ذوالنوری بر جایگاه ریاست مجلس تکیه بزند دور از ذهن نیست. با توجه به ملاحظاتی که برخی از مدعیان ریاست‌جمهوری در ارتباط با انتخابات هیئت‌رئیسه مجلس دارند، ذوالنوری بر قالیباف ترجیح دارد، چراکه سودای ریاست‌جمهوری در سر ندارد. به نظر می‌رسد ترجیح دولت رئیسی هم انتخاب ذوالنوری است نه قالیباف.

۳- نیکزاد؛ مردد در رایزنی‌ها و ابهام در ایجاد ائتلاف:

نیکزاد یکی از منتخبان است که با اتکا به تجربه وزارت و نایب‌رئیسی مجلس یازدهم مدعی ریاست بر مجلس دوازدهم است و در هفته‌های اخیر رایزنی‌هایی انجام داده است؛ اما هنوز نشانه‌ای از اینکه مورد حمایت یکی از طیف‌های مجلس قرار بگیرد، بروز نکرده است و تا امروز به نظر نمی‌رسد اراده‌ای در طیف‌های نزدیک به دولت برای کمک به ایشان جهت ریاست بر مجلس وجود داشته باشد. البته نیکزاد در صورت ماندن در صحنه و اصرار بر ادامه رقابت خواهد توانست آرای قابل توجهی از نمایندگان مناطق شمال غرب کشور را به دست آورد، اما احتمال قرارگرفتن ایشان در رأی مجلس دور از ذهن است.

در پایان بیان این نکته لازم است که آرایشی که توصیف شد، تحت تأثیر عواملی تعیین‌کننده در بیرون از مجلس است، چنان که برخی از صاحب‌نظران سیاسی نیز به اشاراتی که از بیرون می‌شود، توجه می‌کنند. در این رابطه برخی از حامیان کاندیداهای ریاست بی‌میل نیستند که چنین القا کنند که نگاه عوامل بیرونی به آنهاست و ریاست خود را تقریبا قطعی می‌دانند. اما به نظر نمی‌رسد چنین برداشت‌هایی با واقعیت منطبق باشند، زیرا برخی رویکردهایی که در دو سه سال اخیر در فضای سیاسی وجود داشته این بوده که به حاشیه‌هایی که پیرامون برخی مسئولان عالی‌رتبه ایجاد شده و در افکار عمومی هرازچندگاهی ظهور و بروز یافته و هزینه‌هایی برای نظام به دنبال داشته بی‌توجهی نشود. لذا این موضع‌گیری که «انتخاب هیئت‌رئیسه مجلس دوازدهم در انحصار نمایندگان تهرانی نخواهد بود» جای بسی تأمل دارد!

صادق زیباکلام در قاب «چرا شما را نمی‌گیرند»

روایت غیررسمی ممنوع

داود حشمتی: صادق زیباکلام به‌عنوان یک استاد دانشگاه که ممکن است سؤالات زیادی را بتواند پاسخ دهد، اما در زندگی بیشترین سؤالی که با آن روبه‌رو شد، سؤالی بود که به خاطرش کتاب نوشت. سؤال این بود: «چرا شما را نمی‌گیرند؟». در نهایت او به زندان رفت و حالا این سؤال مطرح است که با وجود آنکه همه فکر می‌کردند او را نمی‌گیرند، چرا حالا حکمش اجرا و به زندان منتقل شد؟ فارغ از اینکه زیباکلام چند روز و چند ماه در زندان بماند، اجرای حکم صادق زیباکلام یک پیام روشن دارد: «سیاست جدیدی در مهار رسانه قرار است اعمال شود. به این معنا که اجازه خلق روایتی غیر از روایت رسمی داده نخواهد شد» بنابراین ازآنجاکه زیباکلام توانایی خلق روایت اول و متفاوت از روایت رسمی را داشت، حکم او اجرا شد، تا از این پس نه او و نه هیچ کس دیگر نتواند روایتی غیر از روایت رسمی در اتفاقات مختلف خلق کند.

این‌بار آن مرد را گرفتند

کتاب جدیدش تازه از چاپ درآمده و نمایشگاه کتاب آغاز شده است. صادق زیباکلام نویسنده و استاد دانشگاهی است به‌غایت «بدخط». همین بدخطی دکتر بود که سبب آشنایی سال‌های دور من با صادق زیباکلام شد. زمانی که کمتر کسی می‌توانست دستخط او را بخواند و نوشته‌هایش را تایپ کند، من مهارت خواندن دستخط زیباکلام را فراگرفته بودم. به واسطه آشنایی با دختر و دامادش، حتی سفرنامه‌ای را که او از عتبات در سال‌های پس از ۸۸ نوشته بود، برایش حروفچینی کرده بودم.صبح روز یکشنبه ۲۴ اردیبهشت ۱۴۰۳ دکتر مثل همیشه صبح زود از خواب برخاست و با خودش گفت: اول سری به اجرای احکام دادسرای فرهنگ و رسانه می‌زنم و بعد به نمایشگاه کتاب می‌روم تا برای مردم بگویم: «چرا من را نمی‌گیرند» و «آخرش چه خواهد شد». اما برنامه‌های او در همان صبح، در دادسرای فرهنگ و رسانه متوقف شد و صادق زیباکلام که فکر می‌کرد «او را نمی‌گیرند» بازداشت و برای اجرای حکم به زندان اوین فرستاده شد. آن‌هم درحالی‌که یک روز قبل در ویدئویی که به مناسبت رونمایی از کتابش منتشر کرد، گفته بود: «بسیاری رفتن به اوین را افتخار می‌دانند اما من با کمال شرمندگی شاید به خاطر ترس، ضعف یا بی‌عرضگی و هرچه شما می‌گویید، اوین رفتن را افتخار و سعادت نمی‌دانم. وظیفه بنده نوشتن است». حالا همه آنها که تا دیروز می‌پرسیدند: «چرا زیباکلام بازداشت نمی‌شود»، سؤال‌شان این‌گونه تغییر کرد: «پس چرا زیباکلام زندان رفت؟».

بازداشت یا اجرای حکم؟

به دنبال اخباری که در رسانه‌ها درباره بازداشت صادق زیباکلام منتشر شد، مرکز رسانه‌ای قوه قضائیه با انتشار متنی توضیح داد که او بازداشت نشده، بلکه برای اجرای حکمی که از قبل صادر شده بود، به زندان منتقل شده است. براساس آنچه این مرکز توضیح داده زیباکلام با اتهام «فعالیت تبلیغی علیه نظام» دست‌کم به سه فقره زندان با مجموع دوسال‌و هشت ماه زندان محکوم شده است. در واقع قوه قضائیه تلاش داشت اعلام کند که او را «بازداشت» نکرده است، بلکه او در دادگاه محکوم شده است. جالب آنکه زیباکلام در تابستان ۱۳۵۳ هنگام آمدن به ایران به دست ساواک دستگیر و به اتهام «خرابکاری علیه حکومت» و «تبلیغ برای مجاهدین خلق»، به سه سال زندان محکوم شده بود.

چرا زیباکلام را نمی‌گیرند؟

این سؤال که چرا زیباکلام بازداشت نمی‌شود، یک مبنا و زمینه‌ای داشت. در درجه اول نفس طرح این سؤال، به این معنا بود که «اصل بر گرفتن است» و تعجب‌آور این است که کسی زندان نرود. در سال‌های اخیر بازداشت‌نشدن زیباکلام به خاطر مواضعی که داشت، برای دو دسته همیشه سؤال بود؛ دسته اول براندازان بودند و دسته دوم افراطی‌های جریان راست. در میانه این دو دسته، اصلاح‌طلبان قرار داشتند که معتقد بودند «اظهارنظر حق مسلم افراد است و طرح چنین پرسشی به معنای مشروعیت‌بخشی به بازداشت افراد به خاطر اظهارات آنهاست».

دسته اول معتقد بودند در شرایطی که افراد دیگر با زمینه اثرگذاری کمتر و به‌کارگیری اظهاراتی که به اندازه حرف‌های زیباکلام هم تند نیست، بازداشت می‌شوند، چرا صادق زیباکلام را بازداشت نمی‌کنند؟ خود آنها نیز به هزار روش سعی می‌کردند به این پرسش پاسخ دهند. دراین‌میان براندازانی وابسته به پهلوی با او رفتاری تناقض‌آمیز داشتند. دسته دوم نیز به نظام فشار وارد می‌کردند که باید با زیباکلام برخورد شود و عدم بازداشت و زندانی‌کردن زیباکلام را نشانه ضعف نظام یا عبور از کسانی می‌دانستند که هوادار نظام هستند. به طور مشخص دو روز قبل از اینکه زیباکلام به زندان برود، تصاویر او در کنار وزیر ارشاد و مخبر معاون اول دولت درحالی‌که خندان بودند، منتشر شد. هواداران رئیسی خلق این تصاویر را عبور از بدنه رأی ارزیابی می‌کردند و معتقد بودند که آنها به رئیسی رأی دادند تا شاهد چنین تصاویری نباشند. هر دو دسته منتظر بازداشت و زندان‌رفتن صادق زیباکلام بودند اما او توضیح می‌داد چرا نظام دست به بازداشت او نمی‌زند.

رفتار تناقض‌آمیز هواداران پهلوی

در میان براندازان، هواداران پهلوی رفتاری کاملا متضاد با صادق زیباکلام داشتند. از یک سو به او حمله می‌کردند و معتقد بودند که او در زمان رژیم شاه با او مبارزه کرده و به زندان افتاده است. از سوی دیگر اعتراضات اجباری او در دوران شاه را بازتاب می‌دادند. از یک طرف به او حمله می‌کردند و می‌گفتند: «زیباکلام سوپاپ اطمینان نظام است که نشان داده شود در جمهوری اسلامی هم می‌توان حرف زد». از سوی دیگر از او حمایت می‌کردند، چون تنها کسی بود که توانسته بود اعلام کند: «رضاشاه به ایران خدماتی داشت» اما مسئله همین بود که زیباکلام توانایی خلق روایت‌هایی را داشت که روایت رسمی را به چالش می‌کشید.

خالق روایت‌های اول

حتی قبل از اینکه فضای مجازی به سیاست‌مداران و فعالان رسانه‌ای امکان آن را بدهد که به‌سرعت درباره اتفاقات اظهارنظر کنند، صادق زیباکلام ازجمله کسانی بود که همیشه در دسترس خبرنگاران بود. او درس‌خوانده سیاست بود. اهل مناظره و گفت‌وگو با کسانی بود که صددرصد با او مخالف هستند. «صادق» و «صمیمی» بود. و این ویژگی‌ها باعث می‌شد یکی از اولین کسانی باشد که درباره اتفاقات جامعه از خودش واکنش نشان دهد. رسانه‌ها و خبرنگاران هم برای همین به‌سرعت به سراغ او می‌رفتند. درعین‌حال که تلاش می‌کرد روایت خودش را بیان کند، اما خطوط قرمزی داشت که هیچ وقت از آن عبور نمی‌کرد. صادق زیباکلام معتقد بود دلیل اینکه برخلاف «انتظار» براندازان و «اشتیاق» اصولگرایان او بازداشت نمی‌شود، این است که هیچ وقت فعالیت «تشکیلاتی» ندارد. بارها گفته بود که حتی تلاش می‌کند برای رفتن به کوه هم تنها برود. این تنهایی برایش هاله‌ای امن می‌ساخت تا بتواند نظرش را بدون پرده‌پوشی بیان کند. اعتقاد زیباکلام این بود که نظام از او و حرف‌هایش به‌این‌دلیل که فعالیت تشکیلاتی ندارد، احساس خطر نمی‌کند. حتی در مقاطعی امکان پاسخ‌گویی را فراهم می‌کند. به عبارت روشن‌تر، وقتی او حرفی را می‌زند نهادهای امنیتی می‌دانند که او نظر شخص خودش را گفته و قادر نخواهند بود او را به خارج متصل کنند، حتی اگر حاضر نباشد پا روی پرچم اسرائیل بگذارد؛ مسئله‌ای که می‌تواند یکی از مهم‌ترین خطوط قرمز سیستم باشد. ازهمین‌رو او می‌توانست هم «روایت اول» خلق کند و هم «روایت‌های متفاوت». و زیباکلام دقیقا به‌همین‌خاطر مهم بود و دقیقا به‌همین‌خاطر هم حکمش به اجرا گذاشته شد.

خالق روایت‌های متفاوت

زمانی که در دهه ۸۰ حرف از خدمات «رضاشاه» را مطرح کرد، گویی کفر ابلیس گفته بود. او روایت رسمی را که سال‌ها بود درباره رضاشاه مطرح می‌شد، به چالش کشیده و گفته بود: «خدمات و اقدامات رضاشاه ایران را مدرن و مدرنیزه کرد. ایران مدرن را رضاخان پایه‌گذاری کرد». بعدها نیز روایت‌های رسمی دیگری را به چالش کشید. درباره مبارزه ایران با آمریکا مخالف بود و می‌گفت: «اگر آمریکاستیزی را از جمهوری اسلامی بگیرید، چیزی از آن باقی نمی‌ماند». درباره مسائل منطقه نظر متفاوتی داشت و برخلاف روایت رسمی که اسرائیل را به رسمیت نمی‌شناسد، می‌گفت: «من کشور اسرائیل را به رسمیت می‌شناسم؛ چراکه سازمان ملل آن را به رسمیت شناخته است». با وجود آنکه به لحاظ خانوادگی پدرش از طرفداران مصدق بود و خودش نیز او را فردی «منحصربه‌فرد در سیاست ایران» می‌داند، درعین‌حال درباره کودتای ۲۸ مرداد می‌گفت: «بالاخره روزی مجبور هستیم به کودتای ۲۸ مرداد آن‌گونه بپردازیم که بوده و نه آن‌گونه که دوست داریم فکر کنیم». او کسی بود که در آذرماه ۹۳ و در کوران مذاکرات برجامی سیاست‌های هسته‌ای ایران را به چالش کشیده و می‌گفت: «موضوع هسته‌ای» بیشتر از جنگ هشت‌ساله ایران و عراق به کشور ضربه زده است». درنهایت نیز کتاب او که با عنوان «شاه کشتار نکرد» اجازه انتشار نیافت که نشان‌دهنده روحیه او در خلق روایتی متفاوت با روایت‌های رسمی بود. حالا او احتمالا در بدو ورود به زندان با درخواست زندان‌بان روبه‌رو شود که به او می‌گوید: «لطفا دوبنده و بند عینک‌تان را تحویل دهید»؛ وسایلی که او همیشه در هر لباسی از آنها استفاده می‌کرد و متفاوت‌بودنش را بیشتر نمایان می‌کرد. او دوبنده خود را تحویل می‌دهد و وارد محیط جدیدی می‌شود که همه به‌ظاهر یک شکل هستند. محیطی که افراد نه به خاطر آزادبودن، بلکه به خاطر در بند بودن‌شان روایت‌های متفاوتی از وقایع دارند که با روایت رسمی ۱۸۰ درجه متفاوت است. باید منتظر ماند و دید که زیباکلام بعد از بازگشت در کدام مسیر حرکت خواهد کرد. آیا همچنان به خلق روایت‌های متفاوت از روایت رسمی می‌پردازد یا آنکه سیستم با این بازداشت او را هم محافظه‌کار کند و درعین‌حال به همه فعالان رسانه‌ای این پیام را منتقل کند که «روایتی غیر از روایت رسمی حق انتشار ندارد. حتی اگر شما کلام زیبایی داشته باشید و نام‌تان صادق زیباکلام باشد».

حسن روحانی در پاسخ به دلایل ردصلاحیتش توسط شورای نگهبان برای مردم نامه نوشت

دفاع از جمهوریت

حسن روحانی، رئیس دولت‌های یازدهم و دوازدهم، با نوشتن نامه‌ای دلایل طرح‌شده از سوی شورای نگهبان برای ردصلاحیت خود در انتخابات ششمین دوره مجلس خبرگان رهبری را «کیفرخواستی علیه نهاد ریاست‌جمهوری» دانست که رؤسای‌جمهور آینده با وجود آن دیگر «آزادی سیاسی» نخواهند داشت. پس از ارسال چهار نامه برای بیان موارد و سه نامه برای اعلام مستندات ردصلاحیت حجت‌الاسلام‌والمسلمین حسن روحانی در انتخابات ششمین دوره مجلس خبرگان رهبری، رئیس‌جمهور دولت‌های یازدهم و دوازدهم در نامه‌ای خطاب به ملت ایران، گزارشی از دلایل طرح‌شده توسط شورای نگهبان ارائه داد و اعلام کرد: «این دفاعیه شخصی من نیست، بلکه دفاع از جمهوریت (و اسلامیت) نظام است؛ دفاعیه‌ای برای نهاد ریاست‌جمهوری که به‌عنوان وکیل مستقیم همه ملت ایران نباید بیش از این تضعیف شود». به گزارش سایت رئیس‌جمهور پیشین، حسن روحانی در نامه‌ای تفصیلی درباره ردصلاحیتش در شورای نگهبان نوشت: آنچه در نامه دبیر شورای نگهبان به‌عنوان ادله عدم احراز صلاحیت بنده در انتخابات خبرگان آمده است، نه‌تنها جرم و حتی تخلفی نیست، بلکه در برخی از موارد مایه افتخار من است. او با توصیف نامه شورای نگهبان به‌عنوان «کیفرخواستی علیه نهاد ریاست‌جمهوری و دولت تدبیر و امید و نه‌فقط شخص من»، اتهامات واردشده را فاقد هرگونه «وثاقت» خوانده و به چهار ادعای اهانت به قوه قضائیه و شورای نگهبان، عدم بینش سیاسی، عدم التزام به قانون اساسی و تعرض به اعتقادات اصیل دینی پاسخ داده و در پایان سؤالاتی از اعضای این شورا درباره نقش و عملکرد آنها پرسیده است. روحانی در بخشی از نامه خطاب به ملت نوشته است: «من در اوج انسداد و سرخوردگی سیاسی جامعه ایران در دو انتخابات پیاپی در سال‌های ۱۳۹۲ و ۱۳۹۶ با آرایی فزاینده در رقابتی سخت و در حالی که ارکان مهم حاکمیت علیه من علنا فعالیت می‌کردند، از سوی شما مردم به‌عنوان رئیس‌جمهوری اسلامی ایران انتخاب شدم تا مجری و پاسدار قانون اساسی باشم. در هشت سال ریاست‌جمهوری «خار در چشم» و «استخوان در گلو» در برابر تعرض به حقوق ملت و دولت (قوه مجریه) مقاومت کردم و ناگفته‌های بسیاری را در دل نهان ساختم و به تاریخ سپردم تا نظام و مردم از دوگانه‌سازی میان دولت و حاکمیت آسیب نبینند. اینک شورای نگهبان در بیان دلایل عدم احراز صلاحیت من به کارنامه رئیس‌جمهور قانونی کشور به‌گونه‌ای استناد می‌کند که گویی دومین مقام رسمی کشور، اپوزیسیون نظام است و این شورا که خود دو بار در انتخابات ریاست‌جمهوری و پنج بار در انتخابات مجلس شورای اسلامی و سه بار در همین انتخابات مجلس خبرگان رهبری صلاحیت مرا تأیید کرده است، مرتکب خطا شده است و شخصی که با حکم دو رئیس‌جمهور اسبق و مقام معظم رهبری بنیان‌گذار عالی‌ترین نهاد امنیتی کشور و دبیر شورای عالی امنیت ملی (به مدت ۱۶ سال) و نماینده رهبری در آن شورا (به مدت ۲۴ سال) و رئیس آن (به مدت هشت سال) بوده است، از نظر شورای نگهبان فاقد صلاحیت است، درحالی‌که این سابقه ۴۵ساله از نمایندگی مجلس شورای اسلامی تا نمایندگی مجلس خبرگان رهبری از سال ۱۳۵۸ تا ۱۴۰۳، به اندازه کل حیات نظام جمهوری اسلامی است. آیا ردصلاحیت رؤسای‌جمهور سابق و پاره‌ای از دیگر رؤسای قوا (که به رأی ملت مفتخرند) زیر سؤال بردن جمهوریت نظام نیست؟ آیا فقهای شورای نگهبان که قرار بود پاسدار شرع و قانون اساسی باشند، می‌توانند به منتخب ملت ـ که فرزند نهاد روحانیت هم بوده است ـ چنین اتهاماتی بزنند؟ این فقیهان در کدام انتخابات و با رأی کدام ملت این حق را یافته‌اند که برگزیدگان مردم را از حق انتخاب خود محروم کنند؟ با کدام حق قانونی و شرعی که یا باید از سوی ملت تفویض شود یا نهاد مرجعیت آن را تأیید کند، شورای نگهبان انتخاب ملت را دومرحله‌ای ساخته است؟ آیا قاعده «تعارض منافع» شامل فقهای شورای نگهبان نمی‌شود که هم نامزد مجلس خبرگان رهبری هستند و هم صلاحیت رقبای خود را بررسی می‌کنند؟ زمانی در این شورا فقیهان و مجتهدان بزرگ و پرهیزکاری چون آیت‌الله صافی‌گلپایگانی و آیت‌الله محمد مؤمن حضور داشتند که حتی در صورت ایراد حقوقی به این شیوه بررسی صلاحیت‌ها در خبرگان، می‌شد به تقوا و بی‌طرفی آنان اعتماد کرد، اما امروز که بر اساس قانون مجلس خبرگان فقهای شورای نگهبان بر خبرگان سلطه یافته‌اند و انتظار تقوای سیاسی بالاتری مورد انتظار است، مردم نسبت به بی‌طرفی آنان قضاوت مثبتی دارند؟ آیا فقهای شورای نگهبان با کمترین تجربه سیاسی و امنیتی و دیپلماتیک برای ردصلاحیت نامزدها به علت آنچه دانش و بینش سیاسی می‌خوانند، صلاحیت تخصصی دارند؟ شما که نامزدها را به عدم شناخت مردم متهم می‌کنید، چند بار و در کدام انتخابات رقابتی خود را در معرض رأی ملت قرار داده‌اید؟».

دولت فعلی، نه توان خروج از برجام را دارد و نه اراده احیای آن را

سرنوشت برجام بخشی دیگر از نامه روحانی را به خود اختصاص داده و او متذکر شده است: «ما و شما یک «پیمان» داشتیم و آن قانون اساسی بود و یک «برنامه» داشتیم و آن برنامه‌ای بود که شما در سال ۱۳۹۲ به آن رأی دادید و در سال ۱۳۹۶ با رأیی بالاتر آن را تأیید کردید: اعتدال در داخل و تعامل سازنده در خارج که یکی از مهم‌ترین مصادیق آن، برجام بود.

مهم‌ترین هدف برجام گذار از تحریم بود و ما توانستیم در کمتر از دو سال به این هدف برسیم و با وجود ظهور رئیس‌جمهوری نامتعارف در آمریکا، با حفظ برجام این فرصت را برای دولت بعدی آمریکا و ایران فراهم نماییم که راه احیای برجام و عبور از تحریم باز باشد. با وجود آنکه امکان احیای برجام در پایان دولت من وجود داشت، اما با کارشکنی مجلس یازدهم و حمایت شورای نگهبان این فرصت از ملت و دولت سلب شد، اما حتی دولت موجود که هویت خود را در نفی دولت قبل می‌داند، نه توان خروج از برجام را دارد و نه اراده احیای آن را. با وجود این، شورای نگهبان مرا به تعجیل در اجرای برجام متهم می‌کند غافل از آنکه نه‌تنها در این مورد قانون کاملا رعایت شده، بلکه آنچه ملت ایران بحق انتظار داشت، توافق سریع‌تر و حفاظت بیشتر از دستاوردهای برجام و جلوگیری از بهانه‌دادن به دشمن برای نقض برجام بود. دولت من مفتخر است که نه‌تنها دولت مذاکرات بود، بلکه به هنگام ظهور دولت نامتعارف ترامپ در آمریکا به دولت مقاومت بدل شد و در برابر دلواپسان داخلی و خارجی از موجودیت نظام جمهوری اسلامی ایران دفاع کرد و با شناخت دقیق از غرب ضمن تعامل سازنده، به هنگام لزوم به تقابل شجاعانه براساس اصول حقوق بین‌الملل همت گماشت».

پرونده‌سازی‌هایی از تحلیل‌های جناحی و شنودهای تقطیع‌شده

او همچنین نوشته است: «من از نقض حقوق سیاسی شهروندانی سخن می‌گویم که در محکمه‌هایی بدون حضور هیئت منصفه، وکیل و حتی متهم با گزارش چند مأمور امنیتی توسط فقهای شورای نگهبان به سلب حقوق شهروندی محکوم می‌شوند. مأمورانی که پرونده‌سازی‌های آنان آمیزه‌ای از تحلیل‌های جناحی و شنودهای تقطیع‌شده و عمدتا غیرقانونی است و گزارش‌های آنان به نامه‌هایی مبهم و کلی با اغراض آشکار بدل می‌شود. رؤسای‌جمهور آینده (اگر چنین مقام و نهادی باقی بماند) باید بدانند که با این کیفرخواست دیگر حتی آنان آزادی سیاسی ندارند و قادر به انجام وظایف قانونی خود نیستند و به‌جای قانون اساسی باید تابع شورای نگهبان باشند و از ریاست‌جمهوری اسلامی به ریاست قوه مجریه، آن‌هم در حد برخی امور اداری کفایت کنند.

ادامه در صفحه ۳

خبر

کنعانی: با آمریکا مذاکرات با واسطه داریم

سخنگوی وزارت خارجه ایران با بیان اینکه گفت‌وگوی دیپلماتیک تهران-واشنگتن از طریق واسطه‌ها و در چارچوب مذاکرات رفع تحریم‌ها انجام می‌شود، گفت در دکترین هسته‌ای ایران تغییری ایجاد نشده است. سخنگوی وزارت امور خارجه جمهوری اسلامی ایران در نشست خبری دیروز خود با خبرنگاران در پاسخ به سؤالی در ارتباط با برخی از اخبار منتشرشده درباره مذاکرات بین ایران و آمریکا خاطرنشان کرد: گفت‌وگوی دیپلماتیک بین ما و طرف آمریکایی از طریق واسطه‌ها و در چارچوب مذاکرات رفع تحریم‌ها انجام می‌شود و این گفت‌وگوها و مذاکرات یک روند مستمر را طی کرده و تا این مرحله مذاکرات به فواصل از طریق واسطه‌ها انجام شده است. کنعانی ادامه داد: ایران بارها اعلام کرده است که به رویکرد سیاسی و مذاکره به منظور تحقق حقوق ملت ایران و رفع تحریم‌های ظالمانه علیه کشورمان تا زمانی که این رویکرد حقوق و منافع ملت ایران را تضمین کند، پایبند است. وی همچنین درباره برخی از اخبار منتشرشده مبنی بر اینکه آمریکایی‌ها از ایران خواستند که میزان غنی‌سازی خود را کاهش دهد، گفت: اگر به درخواست آمریکایی‌ها باشد، آنها می‌خواستند هیچ غنی‌سازی در ایران صورت نگیرد و اگر یادتان باشد آنها می‌خواستند تمام پیچ و مهره‌های تأسیسات هسته‌ای ایران را باز کنند. کنعانی تصریح کرد: ایران تاکنون در چارچوب حقوق قانونی خود در این حوزه عمل کرده و به این روند ادامه می‌دهد. سخنگوی وزارت خارجه در بخش دیگری از صحبت‌های خود در پاسخ به سؤالی درباره بیانیه جدید شورای همکاری خلیج فارس و ادعاهای مطرح‌شده در آن در ارتباط با میدان گازی آرش و موضع ایران در قبال با این ادعاها گفت: ما مکررا در این زمینه توضیح داده‌ایم و مواضع اصولی خود را اعلام کرده‌ایم. وی با بیان اینکه مرزهای دریایی ایران و کویت به صورت دقیق تحدید نشده است و در همین چارچوب نمی‌توان درباره سهم کشورها نسبت به مالکیت میدان گازی آرش سخنی به زبان آورد، گفت: تاکنون ۹ دور مذاکرات حقوقی و فنی بین ایران و کویت برای تحدید حدود مرزها انجام شده است و ما در تلاش هستیم که بتوانیم دور دهم این مذاکرات را برگزار کنیم. کنعانی تصریح کرد: از نظر ایران، تنها مسیر در این ارتباط، انجام گفت‌وگوهای صریح، فنی و حقوقی بین تیم‌های کارشناسی دو کشور است؛ بدون توسل به سازوکارهای رسانه‌ای و جنجال‌های رسانه‌ای. او در پاسخ به پرسشی در ارتباط با برخی از اظهارنظرها در روزهای اخیر مبنی بر احتمال تغییر دکترین هسته‌ای ایران در صورت تهدید بیشتر و جدی دشمنان گفت: ایران بارها مواضع اصولی خود را در ارتباط با مخالفت در تولید، نگهداری، انباشت و اشاعه سلاح‌های کشتارجمعی بر اساس دکترین هسته‌ای خود که مبتنی بر رویکرد اصولی جمهوری اسلامی ایران و فتوای مقام معظم رهبری است، اعلام کرده و بر همین اساس، ایران معاهدات و کنوانسیون‌های بین‌المللی ممنوعیت سلاح‌های کشتارجمعی ازجمله معاهده منع اشاعه سلاح‌های کشتارجمعی و ... را امضا کرده است و رهبر معظم انقلاب اسلامی نیز بر مخالفت ایران در استفاده از سلاح‌های هسته‌ای تأکید و فتوای خود مبنی بر حرام‌بودن استفاده از این سلاح‌ها را مبتنی بر دین اسلام اعلام کرده‌اند. کنعانی در بخش پایانی صحبت‌های خود در این زمینه اظهار کرد: مواضع رسمی کشور در موضوعات مختلف ازجمله بحث سلاح‌های کشتارجمعی، به صورت شفاف از طریق مقامات عالی ایران بارها اعلام شده و در دکترین هسته‌ای ایران هیچ تغییری ایجاد نشده است.